

یادداشت میهمان؛

قصه ناتمام وکیل ستیزی

یادداشت #۴۷؛ معلوم نیست سیاستگذاران رسانه ملی چه اصراری دارند تا در همه سریالهای پرمخاطب خود این مطلب را به جامعه بقبولانند که هر جا کلاهبرداری و دزدی و جعل و خیانت در امانت است حتما پای یک وکیل نیز در میان است!

سایت خبری پرسون- ظاهرا قصه وکیل ستیزی ها در جامعه امروز ما همچنان ادامه داشته و بنا نیست صنف مظلومی که وظیفه ای بجز دفاع از حقوق شهروندان ندارد از تحقیر و تعقیب و هراس افکنی های پی در پی خلاصی یابد.

وکیلی را در استان لرستان به اتهام نگارش مطلبی در باب زمینه های ناامنی حرفه وکالت و چرایی قتل وکیلی دیگر، به محکمه کشانده شده و تفهیم اتهامش می کنند.

صدا و سیما نیز که خود را متولی تمام عیار فرهنگ و فرهنگ سازی می داند بنا ندارد تا از در آشتی با وکیل برآید و دست از سر کچل نهاد وکالت بردارد.

در ایام نوروز که مردم به دلیل شیوع این بیماری منحوس ناگزیر از ماندن در چهاردیواری خانه بوده و تفننی به جز تلویزیون و برنامه های آن ندارند، سریال نون.خ با دستمایه ای از طنز روی آنتن رفته و به دلیل موضوع مناسب آن مقبولیت نسبی نیز در میان مردم پیدا می کند.

در این سریال باز هم به سیاق گذشته، منفی ترین نقش از آن «وکیل» است که با همراهی و همدستی مجرمی جاعل، گواهی فوت نقش اول سریال را جعل تا از این طریق ثروت زیادی را بالا بکشد.

معلوم نیست سیاستگذاران رسانه ملی چه اصراری دارند تا در همه سریالهای پرمخاطب خود این مطلب را به جامعه بقبولانند که هر جا کلاهبرداری و دزدی و جعل و خیانت در امانت است حتما پای یک وکیل نیز در میان است!

اصولا انسان ها در حیات اجتماعی خود برخوردار از یک سری حق و تکلیفند که زندگی شهروندی آنان را شکل می دهد. «حق» گوهری است که از سرشت آدمی و طبع بشری ریشه گرفته و به صورت یکسری نیازهای ذاتی در وجود انسانها متبلور می شود مثل حق حیات، حق آموزش، حق سلامت، حق اشتغال و ... «تکلیف» نیز امری وضعی است که از بایسته های زندگی گروهی و اجتماعی منبعث گردیده و انسان ها را در درون جامعه به مراعات بایدها و نبایدها مکلف می نماید.

در دنیای امروز، تفاوت و طبقه بندی نظامهای سیاسی در نوع نگاه و میزان تمایل آنان به تقویت و برجسته کردن «حقوق» یا «تکالیف» انسان ها مشخص می شود. نظام هایی که ساختاری مردم گرایانه دارند به حقوق انسان ها توجه بیشتری کرده و نهادهایی که مدافع آن هستند را پر و بال بیشتری می دهند بر عکس در نظامهای تمامیت خواه یا توتالیتار روی خوشی به این نهادها نشان داده نشده و دستگاههایی که با امر «تکلیف» سروکار دارند عزیز و مقدس شمرده می شوند.

این که در جوامع توسعه یافته بالاترین ارزش و احترام از آن «وکیل» بوده و نهاد وکالت از مصونیت و اعتبار فراوانی برخوردار است اما بر عکس در کشور ما نهاد «امنیت» و سازمان «روحانیت» بالاترین قرب و منزلت را دارند از این زاویه قابل تحلیل است.

به نظر می رسد راهی را که صدا و سیما در سیاست های وکیل ستیزانه خود می پیماید به ناکجا آباد ختم خواهد شد.

سمت گیری این رسانه نه به سوی واقعیت های اجتماع، بلکه متوجه یک دنیای تخیلی و من درآوردی است او تلاش دارد تا از جهان موجود به یاری عناصر دلخواه خود جهانی پنداری بسازد که هیچ پیوندی با جهان تجربی ندارد.

تجربه های بشری و سرنوشت محتوم ممالکی که چنین راهی را طی کرده اند گویای این واقعیت است که انگاره های تمامیت خواهی عمر درازی ندارند و زوروق پندار آنها نهایتا به صخره سخت واقعیت برخورد کرده و در هم می شکند.

اردشیر محمدی - فعال رسانه ای